

## میراث مکتوب علوی

محمد علی مهدوی راد

### چکیده:

چگونگی تدوین و نقل و انتقال سنت نبوی به نسل‌ها و عصرها پس از رسول خدا ﷺ با چالش‌های گوناگونی روبه‌رو شد. علی رضی الله عنه بر کتابت و نقل و گزارش سنت نبوی تأکید می‌ورزید، اما پس از رسول خدا وضع دگرگون شد. نویسندگان در این مقاله بر آن است تا میراث مکتوب علوی را - که در جهت ضبط و ثبت سنت نبوی و نگهداری از میراث رسول خدا ﷺ به نگارش در آمده است - گزارش کند. وی در ابتدا سخنانی در باره تدوین حدیث و لزوم ثبت، ضبط و نشر آن، از علی رضی الله عنه نقل کرده است.

**کلید واژه‌ها:** حدیث، نقل حدیث، نگارش حدیث، نشر حدیث، منع تدوین حدیث.

سنت، دومین مستند شناخت دین و احکام آیین مبین و نیز منبع مهم تفسیر کتاب الهی است. رسول الله ﷺ فرمود:

الا وانی اوتیت الكتاب و مثله معه...<sup>۱</sup>

و فرمود:

فاستنطقوا القرآن بسنتی.<sup>۲</sup>

قرآن را با سنت من و با راهنمایی سنت من به سخن آورید و تفسیر کنید.

چگونگی تدوین و نقل و انتقال سنت نبوی به نسل‌ها و عصرها پس از رسول الله ﷺ با چالش‌های گونه‌گونی رویاروی شد.<sup>۳</sup> علی رضی الله عنه بر کتابت و نقل و گزارش سنت نبوی تأکید می‌ورزید، اما

۱. الجامع لأحكام القرآن، ج ۱، ص ۳۷. روایت ادامه دارد و در تاریخ و تدوین حدیث گویای نکته‌ای است پس مهم که بدان در مورد دیگری پرداخته‌ام؛ تدوین الحدیث عند الشيعة الأممية، ص ۱۳.

۲. الإحسان، ج ۹، ص ۳۱۷.

۳. در مقامی دیگر از این موضوع به تفصیل سخن گفته‌ام ر.ک: سلسله مقالات «تدوین حدیث» در همین مجله از شماره ۱ - ۹ و نیز تدوین الحدیث عند الشيعة الأممية، ص ۱-۱۳۵.

به روزگاران پس از رسول الله ﷺ وضع دگر شد و سیاست و به دنبال آن، چگونگی ثقافت دگر. در این مقاله برآنیم تا میراث مکتوب علوی - که در جهت ضبط و ثبت سنت نبوی و حراست از میراث رسول الله ﷺ به خامه آمده است - گزارش کنیم؛ اما پیش تر از آن که میراث مکتوب علوی را در این زمینه گزارش کنیم، سزایمند چنان است که گفتار مولا را درباره تدوین حدیث و لزوم ثبت، ضبط و نشر آن بیاوریم.

### گفتار علی ﷺ در تدوین حدیث

از امیرالمؤمنین علی ﷺ درباره لزوم کتابت، و نشر آن سخنان ارجمند و تنبیه آفرین فراوانی آورده اند که اندکی از بسیار را در این مجال می آوریم. خطیب بغدادی در اثر ارجمندیش تقیید العلم فصلی گشوده است برای یادکرد صحابیانی که حدیث را می نگاشته اند و یا بدان تشویق می کرده و یا دستور می داده اند؛ در این فصل، به اسانید مختلف، از جمله آورده است که علی ﷺ فرموده اند:

قیدوا العلم، قیدوا العلم؛

دانش را با (نگاشتن) به بند کشید، دانش را به بند کشید.<sup>۴</sup>

ابوطفیل می گوید:

از علی ﷺ شنیدم که می فرمود:

هان! مردم دوست می دارید که خدا و رسولش تکذیب شوند؟! [اگر نه چنین است پس] آنچه را شناخته شده است برای مردمان روایت کنید و آنچه را انکار می کنند رها کنید.<sup>۵</sup>

در مقامی دیگر چونان رهنمودی برای حراست از میراث حدیثی فرمود:

تراور و تدارسو الحدیث و لا تتركوه یدرس؛

به دیدار هم بروید و حدیث را بحث کنید، از [گفتگو و بحث از حدیث] تن نزدیک تا از دست بروید.<sup>۶</sup>

و از رسول الله ﷺ نقل می کند که فرموده است:

این دانش [حدیث] را بنویسید، زیرا از آن در دنیا و یا آخرت سود خواهید برد. دانش هرگز صاحبش را تباه نمی کند.<sup>۷</sup>

طرفه این که امام علی ﷺ حدیث را می نگاشت و آن را به مردمان عرضه می کرد و گاه برای نشان

دادن اوج و عظمت آن ندا درمی داد که:

۴. تقیید العلم، ص ۸۹.

۵. کز العمال، ج ۱۰، ص ۳۰۴، ح ۲۹۵۲۳.

۶. همان، ج ۱۰، ص ۳۰۴؛ بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۵۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۸۸؛

۷. کز العمال، ج ۱۰، ص ۲۶۲، ح ۲۹۳۸۹.

چه کسی دانش را از من به یک درهم می‌خرد؟<sup>۸</sup>

از حارث بن اعور آورده‌اند که می‌گفت علی علیه السلام فرمود:

من بیشتری منی علماً بدرهم؟ قال: فذهبت فاشتریت صحفاً بدرهم ثم جنت بها؛

چه کسی دانش را از من به یک درهم می‌خرد؟ او می‌گوید: رفتم و «صحیفه‌هایی» را به یک درهم خریدم.<sup>۹</sup>

گزارش زمخشری<sup>۱۰</sup> از این حادثه نشانگر آن است که حضرت در روزگار خلافت و در کوفه چنین می‌کرده است و این خود گواهی است بر این که مولا بدین‌سان در پی نشان دادن ارج و عظمت حدیث بوده است. و در پی ایجاد جریانی برای نشر و گسترش حدیث، پس از آن‌که بیش از ربع قرن حدیث دچار دگرگونی‌ها، دگرسانی‌ها، تحریف‌ها و... شده بود. و بالاخره از گزارش ارجمند و تنبه‌آفرین مولا یاد کنیم از رسول الله صلی الله علیه و آله که فرمود:

خدایا، جانشینان مرا غریق رحمت کن! گفته شد: جانشینان شما کیان‌اند؟ فرمود: آنان که پس از من خواهند آمد و سخن و سنت مرا گزارش خواهند کرد.<sup>۱۱</sup>

و بدین‌سان جایگاه محدثان و حدیث‌نگاران و گسترش‌دهندگان فرهنگ و ثقافت در کلام نبوی و به گزارش مولا «جایگاه خلافت نبوی» است و این همه نشانگر تأکید و ترغیبی عظیم در برابر آنچه در تاریخ اسلام نقش بست. باری در فرجام این بحث از ماندسازی زیبا مولا یاد کنیم که «کتاب» را به «بوستان» مانند ساخته است:

الکتب بساتین العلماء.

که یعنی آموزه‌های نهفته در میان دو «آلت» کتاب، باغی است با دسته گل‌هایی دماغ‌پرور و فضایی است دلپذیر برای تفریح، اندیشوری و دانش‌گستری. و بیفزاییم این کلام فاخر را که فرمود:

عقل الکاتب قلمه؛

خرد نویسنده قلم و خامه اوست.<sup>۱۲</sup>

و نیز این که سخنان مولا درباره دانش، دانشوری، دانش‌اندوزی، ثبت و ضبط حدیث، لزوم کتابت، آداب نگاشتن و چرایی و چگونگی نوشتن، و حراست کردن از میراث مکتوب و... فراوان‌تر از آن است که در این مجال بگنجد. از این روی، کلامی دیگر را در شیوه نگاشتن - که نشانگر دقت، تأمل و توجه به نکات بسیار ریز در این باب است - بیاوریم و بگذریم؛ به کاتبش عبیدالله بن ابی‌رافع

۸. تقي‌العلم، ص ۹۱.

۹. همان، ص ۹۰.

۱۰. ربيع الأثوار، ج ۳، ص ۲۹۴؛ مسند الأمام علی علیه السلام، ج ۱، ص ۸۵، ج ۲، ص ۱۴۲.

۱۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۰۲؛ وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۹۱.

۱۲. نور الحقیقة، ص ۱۰۸.

فرمود:

القی دواتک واطل جلیفة قلمک و فرج بین السطور و قرشط بین الحروف، فان ذلک أجدُر بصباحة الخط؛

دوات را لایقه بینداز و از جای تراش تا نوک خامهات را دراز ساز و میان سطرها را گشاده دار و حرفها را نزدیک هم آر که چنین کار زیبایی خط را سزاوار است.<sup>۱۳</sup>

اکنون و پس از گزارش اندکی از بسیار از آنچه را مولا درباره کتابت حدیث و ضرورت نشر و گسترش آن و تأکید و ترغیب به نگارش و نشر آن آوردیم، بپردازیم به گزارش میراث ارجمند و والای مکتوب امیرمؤمنان علیؑ:

### میراث مکتوب علوی

بی‌گمان، امام علیؑ از کاتبان وحی، بل سرآمد کاتبان وحی است، و نیز نگارنده نامه‌های رسول الله ﷺ. نامه‌هایی بر جای مانده از پیامبر ﷺ نشانگر آن است که بخش عظیمی از آنها به خامه مولا است.<sup>۱۴</sup> نصوص فراوان حدیثی و تاریخی نشانگر آن است که رسول الله ﷺ در شبانه‌روز «وقت» ویژه‌ای برای امام علیؑ مقرر فرموده بودند که مولا به محضر رسول الله ﷺ می‌شتافتند، پیامبر می‌فرمودند و مولا می‌نگاشتند، تفسیر، معارف، احکام و....

علامه عالیقدر، و پژوهشگر سختکوش روانشاد آیت‌الله علی احمدی میانجیؒ - که در تتبع و جستجوگری حقاکم نظیر بودند - نوشته‌اند:

از مصادر حدیثی و وثایق تاریخی چنین برمی‌آید که پیامبر ﷺ برای امیرمؤمنان زمان را در شب و روز ویژه ساخته بود که در آن زمان خاص به املائی قرآن، تفسیر، تأویل و ناسخ و منسوخش می‌پرداخت و نیز احکام و معارف را املا می‌کرد و علیؑ می‌نوشت.<sup>۱۵</sup>

محدث جلیل‌القدر، شیخ حر عاملی نوشته‌اند:

نصوص متواتر گزارش شده از رسول الله ﷺ نشانگر آن است که پیامبر ﷺ علیؑ را به نگارش تنزیل و تأویل کتاب‌الله و نیز کتابت سنت امر می‌کرده است. رسول الله ﷺ از علیؑ می‌خواست تا آنچه را از احادیث و احکام شرعی و... به او القا می‌کند، برای انبازهایش در امامت و ولایت بنگارد، علیؑ گفت: انبازهای من کیان‌اند؟ رسول الله ﷺ فرمود: الائمة من ولدک.<sup>۱۶</sup> علیؑ

۱۳. نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، ص ۵۳۰ (شماره ۳۱۵).

۱۴. در ذیل برخی نامه‌ها نام کاتب آمده است. نامه‌هایی که مولا می‌نگاشته‌اند، در فرجام آن آمده است: «و کتب علی بن ابی طالبؑ: (مکاتیب الرسول، ج ۳، ص ۴۶۴)، یا و کتب علیؑ: (همان، ص ۷۰ و ۴۵۸).

۱۵. همان، ج ۱، ص ۴۰۳.

۱۶. الفوائد الطوبیة، ص ۲۴۳ و نیز ر. ک: الامالی للطوسی، ج ۲، ص ۵۶ (چاپ نجف)؛ علی الشرائع، ص ۲۰۸؛ الائمة والنبیره، ص ۱۸۳؛ مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۴۰۴-۴۰۳ از منابع بسیار.

فرمود: من دو بار به محضر رسول الله ﷺ بار می‌یافتم، شب و روز، و چون آهنگ پیامبر ﷺ می‌کردم و در حال نماز بود، با «تنحیح» به من رخصت ورود می‌داد.<sup>۱۷</sup>

در گزارش دیگری آمده است که مولا فرمود:

مرا در نگاه رسول الله ﷺ جایگاهی بود که هیچ‌کس از مردمان آن جایگاه را نداشتند. همواره سحرگاهان آهنگ آن حضرت می‌کردم و می‌گفتم: السلام علیک یا نبی الله! اگر رخصت می‌دادند، وارد می‌شدم و گرنه برمی‌گشتم.<sup>۱۸</sup>

عایشه می‌گوید:

رسول الله ﷺ پوست پیراسته و دباغی‌شده و دواتی را خواست [در حالی که علی ﷺ در محضرش بود]، و آن‌گاه املا کرد و علی نوشت تا پوست یکسر آکنده از سطور نگاشته شد.<sup>۱۹</sup>

ام سلمه می‌گوید:

رسول الله ﷺ در خانه من علی را نشانند و آن‌گاه پوست گوسفندی را خواست، علی ﷺ [از املا] رسول الله ﷺ آنقدر نگاشت تا کرانه‌های آن پر شد.<sup>۲۰</sup>

آنچه آوردیم - و بی‌گمان اندکی بود از بسیار - نشانگر آن است که علی ﷺ به امر رسول الله ﷺ از همان روزگاران نخست حدیث را می‌نوشته، و در این نگاشتن و ثبت و ضبط او جایگاهی ویژه داشته است. اکنون به یادکرد آثاری می‌پردازیم که به عنوان اثر مکتوب از امیرمؤمنان و وصی خاتم رسولان در منابع و مأخذ یاد شده است:

### تفسیر قرآن

علی ﷺ بی‌گمان، سرآمد مفسران و برجسته‌ترین چهره تفسیری دوران صحابه و آشناترین به معارف و حقایق ژرف و ناپیدا کرانه قرآن کریم پس از رسول الله ﷺ است. علی ﷺ سیراب شده از چشمه‌سار زلال وحی است و همگام و همراه همیشگی فراگیرنده و ابلاغ‌کننده وحی. مولا یا رسول الله ﷺ بوده است از کودکی، و پس از آن، سال‌های خلوت در حرا؛ و نگریستن حالات وحی و شنیدن و نیوشیدن

۱۷. سنن النسائی، ج ۳، ص ۱۷؛ سنن ابن ماجه، ج ۴، ص ۲۰۶، ح ۳۷۰۸؛ مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۴۰۵ از منابع بسیار. در منابع یاد شده الفاظ حدیث اندکی تفاوت دارند. در نقل مکاتیب الرسول کلمه «لی» از پایان حدیث افتاده است؛ کفایة الطالب، ص ۱۹۹. در نقل گنجی شافعی آمده است که: من شبان و روزان به محضر رسول الله ﷺ می‌رسیدم، چون می‌پرسیدم، پاسخ می‌گفت و اگر سکوت می‌کردم، آن بزرگوار آغاز به سخن می‌کرد؛ ملحقات احقاق الحق، ج ۶، ص ۵۱۱. از منابع بسیار: السنن الکبری، ج ۲، ص ۳۵۱؛ در نقل بیهقی آمده است که سحرگاهان مرا زمانی مشخص بود که بر رسول الله ﷺ وارد می‌شدم؛ مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۴۰۵؛ از منابع بسیار. چنان‌که اشاره کردیم، الفاظ حدیث اندکی تفاوت دارد؛ اما محتوا غالباً یکسان است و نقل‌ها بسیار زیاد.

۱۸. سنن النسائی، ج ۱۲، ص ۱۷؛ السنن الکبری، ج ۲، ص ۳۵۱؛ ملحقات احقاق الحق، ج ۶، ص ۵۱۲ از منابع بسیار؛ معالم المدرستین، ج ۲، ص ۳۰۵؛ مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۴۰۹.

۱۹. تقیید العلم، ص ۷۱؛ المحدث الفاضل، ص ۶۰۱؛ محاسن الاصطلاح، ص ۳۶۶.

۲۰. الأمانة والنبصرة من الحیرة، ص ۱۷۴؛ بصائر الدرجات، ص ۱۶۳.

ترنم وحی، در سفر و حضر و به تعبیر مولا چونان «شترپیچه در پی مادر». بدین سان علی علیه السلام جان و دل را در آبشار وحی می‌شست و از آغازین روزگاران با جاری‌های وحی زندگی می‌کرد و با آموزه‌های آن لحظه لحظه زندگی را درمی‌آمیخت. محدثان و مورخان آورده‌اند که آن بزرگوار همواره می‌فرمود:

از من، هر آنچه از آیات الهی خواهید بیسید؛ چه این که تمام آیات الهی را می‌دانم که کی و کجا نازل شده است، در فرازها و یا فرودها، در روزان و یا شبان، خداوند به من قلبی فهیم و زبانی گویا عنایت کرده است.<sup>۲۱</sup>

و نیز فرمود:

به خداوند سوگند! تمام آیات الهی را می‌دانم درباره چه و کجا نازل شده است. پروردگارم به من قلبی فهیم و زبانی پرسنده بخشیده است.<sup>۲۲</sup>

و نیز فرمود:

تمام آیات الهی را بر رسول الله صلی الله علیه و آله خواندم و پیامبر معانی آیات را به من تعلیم داد.<sup>۲۳</sup>

و نیز فرمود:

هر آیه‌ای را که خداوند به رسول الله صلی الله علیه و آله فرو فرستاد، آن را جمع کردم و تمام آیات را رسول الله صلی الله علیه و آله بر من فروخواند و تأویلش را به من آموزاند.<sup>۲۴</sup>

و نیز فرمود:

خداوند از میان اصحاب محمد صلی الله علیه و آله مرا به دانش ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و خاص و عام ویژه ساخت و این منتهی بود بر من و بر رسول الله صلی الله علیه و آله.<sup>۲۵</sup>

و نیز فرمود:

اگر بخواهم، هفتاد بار شتر از تفسیر فاتحه می‌آکنم.<sup>۲۶</sup>

اکنون و در این مجال آهنگ آن ندارم از گستره دانش علوی از قرآن بر پایه منابع و مأخذ و نصوص قرآنی و روایی سخن بگویم؛ سخنی است درازدامن و مجالی دیگر می‌طلبد. این اندک را برای این آوردم که چگونگی «مصحف امام علی علیه السلام» را طرح کنم که این بنده بدان عنوان «تفسیر قرآن» داده‌ام؛ اما از یادکرد این نکته‌گریزی ندارم، که این حقیقت به گونه‌ای گویا، هیچ‌انبار و شکوهمند در آیات قرآن کریم، سنت نبوی، گفتار علوی و بیان و بنان صحابیان، تابعیان عالمان،

۲۱. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۹۹؛ غرر الحکم، ج ۲، ص ۵۶۳.

۲۲. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۹۹؛ حلیة الأولیاء، ج ۱، ص ۶۷؛ تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۳۹۷؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۵.

۲۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۳.

۲۴. کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۵۸۱؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۰۷.

۲۵. الخصال، ص ۵۷۸.

۲۶. المناقب، ج ۲، ص ۴۳؛ ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۰۹.

پژوهشیان و متفکران اسلامی بازتابی گسترده داشته است.<sup>۲۷</sup>

به هر حال، دو گزارش درباره چگونگی کتابت معارف تفسیری با املائی رسول الله ﷺ و کتابت علی ﷺ را می‌آورم که برای ورود در بحث از چگونگی «مصحف علی» بسیار تعیین‌کننده است. علی ﷺ فرمود:

هر آیه‌ای که نازل می‌شد، پیامبر ﷺ شیوه قرائت آن را به من می‌آموخت. آن گاه املا می‌کرد و من می‌نوشتم. سپس تأویل تفسیر، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه آن را می‌آموزانید و دعا می‌کرد که آن حقایق را در یابم و حفظ کنم و من پس از آن هیچ‌گاه آنچه را که دریافتیم، فراموش نکردم.<sup>۲۸</sup>

حضرت امام صادق ﷺ فرموده‌اند که علی ﷺ فرمود:

از کتاب الهی از من بپرسید. به خدای سوگند! رسول الله ﷺ شیوه قرائت و تأویل تمام آیات الهی را چه آنچه در شب نازل شده است و چه روز، به هنگام حرکت و یا در منزل، به من آموزاند.

ابن کواء گفت: ای امیرمؤمنان، حتی آنچه را نازل می‌شد و تو نبودی؟!

امام فرمود: رسول الله ﷺ آنچه را نازل می‌شد و من غایب بودم، نگاه می‌داشت تا به محضرش می‌رسیدم. آن گاه شیوه قرائت آن را به من می‌آموزاند، و می‌گفت: هان علی! خداوند فلان و فلان آیه را به من نازل کرد، [کنون که خواندی] تأویلش هم چنین و چنان است، بدان. پس تزیل و تأویل آیات را به من تعلیم می‌داد.<sup>۲۹</sup>

این دو گزارش از جهات مختلفی شایان توجه است که بدان خواهیم پرداخت. اکنون و در پی آنچه آهنگ گزارش و استوارسازی آن را داریم بیاوریم که بی‌گمان علی ﷺ که براساس نصوص یاد شده نگارنده و ثبت و ضبط‌کننده آیات الهی بود، جمع‌کننده آن نیز بود که در منابع تاریخی و روایی از آن به «مصحف علی» یاد می‌شود. نصوص نشانگر این حقیقت بسی فراوان‌تر از آن است که امکان گزارش آن در این مجال باشد. این ندیم در الفهرست فصلی گشوده است برای یادکرد جمع‌آوردندگان

۲۷. به این موضوع اندک به شرح تر - و نه چنان که شایسته موضوع بوده است - در مقامی دیگر پرداخته‌ام. در آن مقام با تکیه بر آیه ۲۳ سوره رعد (وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) و نیز روایت بسیار مشهور و مهم «علی مع القرآن و القرآن مع علی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض» (المعجم الصغير، ج ۱، ص ۲۵۵ و...) و گفتار برخی صحابیان آورده‌ام که علی ﷺ بدون هیچ هم‌اوردی آگاه‌ترین بوده است به آموزه‌های قرآن، که سزامند است فقط کلام ابن عباس، صحابی جلیل و مفسر عالی قدر قرآن را بیاورم که گفت:

آنچه را علی ﷺ می‌گفت فرا گرفتم، آن‌گاه در اندوخته‌ها و آموخته‌های خود اندیشیدم و دریافتم که دانش من به قرآن در سنجش با دانش علی ﷺ چونان برکه‌ای است خورد در برابر دریایی موج خیز (النهاية، ج ۱، ص ۲۱۲؛ سفينة البحار، ج ۲، ص ۴۱۴؛ قاموس الرجال، ج ۶، ص ۴۴۸؛ ر. ک. مقاله بلند «علی پیشوای مفسران»، مجله آینه پژوهش، شماره ۶۶؛ آفاق تفسیر، ص ۷۰-۱۲۰).

۲۸. شواهد التزیل، ج ۱، ص ۴۸؛ ترجمه الأمام علی بن ابی طالب من تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۴۶۷ و نیز ر. ک. الکافی، ج ۱، ص ۶۴؛ الخصال، ص ۲۵۷؛ کمال‌الدین، ص ۲۸۴؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۴؛ تحف العقول، ص ۱۹۶؛ کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۶۲۴. متنی را که نقل کردیم از شواهد التزیل است. نقل‌های منابع دیگر همان است، با اندکی کاستی و فزونی.

۲۹. الأمالی للطوسی، ص ۵۲۳ ح ۱۱۵۸؛ بشارة المصطفی، ص ۲۱۹.

قرآن کریم با عنوان «الجماع للقرآن علی عهد النبی ﷺ». در این فصل از اولین کسی که یاد کرده علی ﷺ است.<sup>۳۰</sup> بر اساس گزارش‌های بسیاری علی ﷺ فرموده‌اند که:

سوگند یاد کرده‌ام که ردا به دوش نگیرم تا قرآن را در دفتری گرد آورم.<sup>۳۱</sup>

آنچه درباره مصحف علی ﷺ تأمل برانگیز است، چگونگی مصحف است، که از دیرباز توجه عالمان، پژوهشیان و مورخان را جلب کرده است. بر پایه دو گزارشی که پیش‌تر آوردیم، مصحف مولا ﷺ محض «نص قرآن» نبوده است؛ افزون بر متن قرآن (=وحی قرآنی) آکنده بوده است از تفسیر، تأویل، و مسائل بسیار (=وحی بیانی). از این روی، ما بدان عنوان «تفسیر قرآن» دادیم. این سیرین می‌گوید:

آن را از مدینه خواستم و بدان دست نیافتم. اگر آن کتاب فراچنگ می‌آمد، بی‌گمان دانش بسیار در آن یافت می‌شد.<sup>۳۲</sup>

محمد بن شهاب زهری می‌گوید:

اگر مصحف علی ﷺ پیدا می‌شد، سودمندترین مصحف‌ها می‌بود؛ و سرشار از دانش.<sup>۳۳</sup>

ابن جزئی آورده است که:

اگر مصحف علی ﷺ پیدا می‌شد، آکنده از دانش بود.<sup>۳۴</sup>

روشن است که سرشار از دانش بودن، و سودمندترین بودن، جز این نیست که افزون بر نص قرآن کریم، دارای فواید و حقایق دیگری بوده است. دو حدیث گذشته نشانگر حقیقتی است که بر خامه این عالمان رفته است. به واقع، «مصحف مولا» تألیفی بوده است «تفسیری» و دربردارنده متن قرآن بدون افزونی و کاستی (=وحی قرآنی) و تفسیرها و توضیح‌ها و مصداق‌ها، تأویل‌ها و... که رسول الله ﷺ املا می‌فرمودند و مولا می‌نگاشتند (=وحی بیانی).

شیخ صدوق، صدوق فقیهان، ضمن نقد دیدگاه برخی از عالمان اهل سنت درباره باور شیعیان به چگونگی متن قرآن کریم و تأکید بر عدم تحریف قرآن کریم و رد قاطع باور به کاستی و افزونی آیات،

۳۰. الفهرست، ص ۳۰.

۳۱. طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۳۳۸. محتوای این نقل در منابع بسیاری آمده است: الکافی، ج ۸، ص ۱۸؛ الفهرست، ص ۳۰؛ حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۶۷؛ شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۷؛ معرفة القراء، (ذهبی)، ج ۱، ص ۲۸.

۳۲. الأئمة، ج ۲، ص ۲۵۳ (در حاشیة الأضیاء)، الصواعق المحرقة، ص ۱۲۸؛ حقایق هامة حول القرآن الکریم، ص ۱۵۸؛ تالیس الشیعة، ص ۳۱۷؛ الأئمة فی علوم القرآن (تحقیق فوق از احمد زمرلی)، ص ۱۵۵.

این سخن برخی تابعیان شنیدنی و تأمل‌کردنی است:

وحی بر پیامبر نازل می‌شد و جبریل سنت را بر پیامبر در تفسیر و تبیین و توضیح آیات عرضه می‌کرد (جامع بیان العلم و فضلہ، ج ۲، ص ۱۱۹۳).

۳۳. فواتح الرحموت (در حاشیة المصطفی)، ج ۲، ص ۱۲.

۳۴. التسهیل لعلوم التنزیل، ج ۱، ص ۶.



تصریح می‌کنند که در کنار «وحی قرآنی» حقایق بر رسول الله ﷺ وحی می‌شده است که وحیانی، الهی بوده، اما «قرآنی» نبوده است:

بی‌گمان، انبوهی از حقایق الهی - که قرآن نبوده است - بر پیامبر نازل می‌شده است که اگر گرد می‌آمد، از اندازه هفده هزار آیه فزون‌تر می‌رفت... همه اینها وحی بود، اما قرآن نبود... و به‌واقع، آنچه امیرمؤمنان پس از پیامبر گرد آورد، متن قرآن بود! با این حقایق وحیانی در توضیح و تفسیر آن [وحی بیانی] ۳۵

معلم امت، شیخ مفید(ره) پس از آن که کاستی در قرآن را نمی‌پذیرند و بر تحریف بدین معنا خط بطلان می‌کشند، به افزونی‌های موجود در مصحف امام علی ﷺ پرداخته نوشته‌اند:

اما محذوف از مصحف امیرمؤمنان ﷺ تأویل آیات و تفسیر معانی کلمات بر اساس حقیقت تنزیل بوده است که گرچه وحی بوده است، اما از جنس کلام الهی که «قرآن معجز» است، نبوده است. روشن است که گاهی تأویل قرآنی، قرآن نامیده شده است. خداوند فرموده است: «وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَ قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا». در این آیه «تأویل قرآن»، «قرآن» نامیده شده است، و این حقیقتی است که در میان مفسران در آن اختلافی نیست. ۳۶

بر این پایه است که ابن‌شهر آشوب، به هنگام شمارش نگاشته‌های فرهنگ اسلامی، «مصحف امام علی ﷺ» را آغازین نگاشته تلقی می‌کند. ۳۷  
فقیه و رجالی عالی‌قدر سید محسن اعرجی کاظمی نوشته‌اند:

مراد ابن‌شهر آشوب [از این که مصحف امام ﷺ را آغازین تألیف برشمرده است] این است که امام ﷺ در مصحف به ثبت نص قرآن بسنده نکرده است، بلکه افزون بر آن، تفسیر، تبیین و تأویل آیات را نیز نگاشته بوده است. از این روی، آن نگاشته بزرگ‌ترین و مهم‌ترین تصنیف بود. ۳۸

شهرستانی در این باره سخنی نغز دارد؛ او می‌گوید:

مصحف مولا دارای متن بود و حواشی؛ که تفسیر و توضیح‌ها را در حواشی می‌نگاشت. گزارش‌های تاریخی نشانگر آن است که امیرمؤمنان چون از جمع و تدوین مصحف فراغت یافت، آن را - که گفته می‌شود به اندازه بار شتر بود - به همراه غلامش قنبر برداشته، به مردمان عرضه کردند... آن‌گاه فرمود: هان مردم! این است آنچه بر محمد ﷺ خداوند فرو فرستاده است

۳۵. رسالة الاعتقادات (چاپ شده ضمن مصنفات شیخ مفید، ج ۵، ص ۸۶. به این کلام ارجمند شیخ صدوق بار دیگر بازخواهیم گشت).

۳۶. اوائل المغالات (چاپ شده در ضمن مصنفات شیخ مفید)، ص ۸۱.

۳۷. معالم العلماء، ص ۲ (تحقیق سید صادق بحر العلوم) (= چاپ عباس اقبال، ص ۱).

۳۸. عدة الرجال، ج ۱، ص ۹۲.

که آن را در میان دو لوح گرد آورده‌ام. آنان گفتند: بردار که ما را به مصحف تو نیازی نیست. امام فرمود: به خداوند سوگند! پس از این هرگز این مصحف را نخواهید دید. بر من بود که چون این مجموعه را گرد آوردم، شما را از وجود آن بیگانه‌انم. آن‌گاه به خانه بازگشت؛ در حالی که این آیت الهی را قرائت می‌کرد: «تَنَزَّلَتْ لِئِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا». و آنان را بدانچه که بدان مشغول بودند وانهاد.<sup>۳۹</sup>

بدین سان، مصحف امام علی علیه السلام به واقع تفسیر است؛ تفسیری مشتمل بر تمام آنچه متن و نص قرآن کریم در توضیح و تبیین بدان نیازمند بوده است و با توجه به این حقیقت، آن را عالمان کتاب تلقی کرده‌اند و آغازین اثر مکتوب که در تاریخ فرهنگ اسلامی به خامه آمده است. علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین (ره) نوشته‌اند:

اولین اثری که امیرمؤمنان پس از فراغت از کفن و دفن رسول‌الله صلی الله علیه و آله تدوین کرد، کتاب الهی - عزوجل - بود که آن را بر اساس نزول سامان داد.<sup>۴۰</sup>

و در آن به عام و خاص، مطلق و مقید، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و سنن و اناب آیات اشاره کرده، به اسباب نزول در آیات تنبه داده بود و مبهمات، دشواری‌ها و مشکلات آیات را زدوده بود.<sup>۴۱</sup>

بر آنچه تا بدین جا آوردیم - که پس از این نیز خواهیم آورد - عالمان و محققان بسیاری تصریح کرده‌اند. اکنون و با تأکید بر اشمال مصحف مولا علیه السلام بر حقایق بسیاری افزون بر نص قرآن کریم، به نکته‌ای دیگر می‌پردازیم که به پندار ما، با همه اشتهاری که دارد، دلیل استواری ندارد و آن این که آیا مصحف علی علیه السلام بر اساس نزول ترتیب یافته بود؟

عالمان، محققان و پژوهشگران علوم قرآنی، به هنگام بحث از چگونگی جمع قرآن از جمله به مصاحف می‌پردازند و چگونگی آنها را و می‌گویند؛ این بزرگواران به هنگام بحث از مصحف علی علیه السلام غالباً به چگونگی آن پرداخته و از جمله نوشته‌اند:

مصحف علی علیه السلام بر اساس نزول سامان یافته بوده است، و این چگونگی در میان کسانی که بدان پرداخته‌اند، ظاهراً بدون مخالف است.

حضرت آیت‌الله العظمی خوئی (ره)، ضمن سخن از ویژگی‌های مصحف مولا نوشته‌اند:

تردیدی نیست که مصحف امیرمؤمنان به لحاظ ترتیب سوره‌ها با قرآن موجود تفاوت داشته

۳۹. مفاتیح الأکرار و مصابیح الأبرار، ج ۱، ص ۱۲۰ و نیز ر. ک: کتاب سلیم، ج ۲، ص ۵۸۱ بحواله‌التواتر، ج ۲۸، ص ۲۶۶ (= چاپ دارالتعارف، ج ۱۲، ص ۱۷۲).

۴۰. پس از این خواهیم آورد که این استظهار از نصوص، یعنی بر اساس نزول بودن جمع مولا - که نشانگر تدوین بر اساس نزول است - به پندار ما پایه‌ای استوار ندارد.

۴۱. المراجعات (تحقیق حسین راضی)، ص ۴۱۱.

است، و عالمان بر این حقیقت یک داستان‌اند. ۴۲

قرآن پژوه معاصر حضرت آیت‌الله معرفت نیز بر این باور رفته و ضمن شمارش چگونگی‌های مصحف امام علی علیه السلام نوشته‌اند:

... ترتیب نزولی آن، به گونه‌ای که آیه آغازین بر بعدی مقدم بوده است؛ با چینی در نهایت دقت. ۴۳

قرآن پژوه ارجمند، روانشاد دکتر محمود رامیار نوشته‌اند:

در این که مصحف علی علیه السلام از نظر ترتیب سوره‌ها با قرآن موجود مغایر و متفاوت بوده، گفتگویی نیست، و در این که اضافاتی هم در مصحف علی علیه السلام بوده، حرفی نیست؛ اما این اضافات را می‌دانیم که جزء قرآن نبوده است... ۴۴

محقق عالیقدر حضرت سید جعفر مرتضی عاملی، پس از گزارش تفصیلی نصوص موضوع، نوشته‌اند:

از نصوص گزارش‌های گونه‌گون چنین برمی‌آید که مصحف علی علیه السلام با ویژگی‌های ذیل از مصاحف دیگر ممتاز بود:

۱. بر اساس نزول سامان یافته بود؛
۲. آیات منسوخ مقدم بر آیات ناسخ بود؛
۳. تأویل برخی آیات به تفصیل نگاشته شده بود؛
۴. تفسیر برخی آیات به گستردگی بر اساس تنزیل [یعنی وحی الهی = تفسیر وحیانی] نگاشته شده بود؛
۵. مشتمل بود بر محکم و متشابه؛
۶. هیچ چیز از آن فرو نیفتاده بود، حتی یک الف و لام؛ و چیزی بر آن افزون نشده بود؛
۷. نام‌های بسیاری از اهل حق و باطل در ضمن تفسیر آیات گزارش شده بود؛
۸. تمامت آن به املاي رسول الله صلی الله علیه و آله و خط علی علیه السلام بود؛
۹. در موارد بسیاری «رازها از پرده برون افتاده بود» و مواضع شخصیت‌ها (مهاجران و انصار) برنموده شده بود و چگونگی تعامل آنها با روند آموزه اسلامی نموده شده بود. ۴۵

۴۲. البیان، ص ۲۲۳.

۴۳. التمهید، ج ۱، ص ۲۹۲.

۴۴. تاریخ قرآن، ص ۳۷۹.

۴۵. حقایق هامة حول القرآن الکریم، ص ۱۶۰ - ۱۶۱. بحث علامه سید جعفر مرتضی به لحاظ جمع نصوص، قابل توجه است و نیز تأمل وی در واژه «هكذا أنزلت» و... گو این که بدانچه ما بدان پرداخته‌ایم، تقطن نیافته‌اند. به هر حال، پژوهش وی خواندنی است.

این ویژگی‌ها در پژوهش‌های معاصران در هر جایی که از «مصحف» مولا سخن رفته است، با اندکی تفاوت آمده است؛ و این همه به واقع مستند بر برخی گزارش‌های کهن و موجود در منابع دیرینه سال و روایات. در میان آنچه یاد شد، دیدیم که تمام گزارش‌ها از جمله مشتمل است بر این که مصحف علی علیه السلام بر اساس نزول بوده است. طبیعی است که بر این اساس بگویند، منسوخ بر ناسخ مقدم بوده است و... گرچه این تصریح‌ها در روایات و منابع کهن وجود ندارد، اما به پندار ما این تفسیرها از منابع کهن و روایات نیز استوار نیست و ترتیب مصحف مولا به هیچ روی بر اساس نزول نبوده است. این مدعا را اکنون به اجمال می‌آورم و اندکی مستندات را می‌کاوم و تفصیل سخن را به مقامی دیگر وامی‌نهم.

### در گذرگاه تاریخ

اولین گزارش درباره مصحف، بر اساس آنچه در اختیار داریم، در منابع اهل سنت، گزارش ابن سعد است. او به نقل از محمد بن سیرین آورده است:

علی علیه السلام از بیعت ابوبکر تن زد. ابوبکر او را ملاقات کرد و گفت: آیا از بیعت با من کراهت داری؟ گفت: نه، اما پیمان بسته‌ام که جز برای نماز ردا بر دوش نگیرم تا قرآن را جمع کنم.

محمد بن سیرین می‌گوید:

چنان پنداشته‌اند که علی آن را بر اساس تنزیل نگاشته است.

ابن عون می‌گوید:

این موضوع را [بر اساس تنزیل بودن را] از عکرمه سؤال کردم، آن را نمی‌شناخت. <sup>۴۶</sup>

در مقامی دیگر آمده است که ابن سیرین می‌گوید: از عکرمه پرسیدم که قرآن را بر اساس نزول یکی بعد از دیگری [الأول فالأول] سامان داده‌اند، گفت:

اگر تمام انس و جن جمع شوند که چنین کنند، نمی‌توانند. <sup>۴۷</sup>

نقل ابن سعد در این کتاب نیز آمده است؛ اما ذیل آن متفاوت است. در ذیل این نقل به جای جمله «چنان پنداشته‌اند...» ابن سیرین می‌گوید: بدو گفتم تألیف آن بر اساس نزول است؟ گفت:

اگر تمام انس و جن جمع شوند، چنان نتوانند. <sup>۴۸</sup>

این نقل پایه و اساس تمام گزارش‌ها و اظهارنظرهای عالمان است در منابع اهل سنت. روشن است که متن این نقل‌ها هیچ‌گونه صراحتی بر ترتیب بر اساس نزول ندارد، و آنچه هست تصریح ابن سیرین بر پندار کسانی است. اینان چه کسانی‌اند؟ روشن نیست.

۴۶. طبقات ابن سعد ج ۲، ص ۳۳۸ (چاپ دار صادر).

۴۷. فضائل القرآن، ابن ضریس، ص ۳۵.

۴۸. همان، ص ۳۶.

از سوی دیگر، نقل از عکرمه هم - که یکسر در نفی این چگونگی است - و سه دیگر، این که این همه بر اساس پندار بوده و هیچ کس از گزارشگران مصحف را ندیده است تا بر اساس مشاهده اظهار نظر کند، چنین است که علامه عسکری پس از گزارش نقل‌هایی مختلف نوشته‌اند:

محتوای روایات در این که روایان متن مصحف و چگونگی آن را ندیده‌اند، یک داستان‌اند. بنابراین هر آنچه از چگونگی مصحف به جز از معصوم علیه السلام گزارش شود، پایه استواری نداشته، مستند به پندار خواهد بود.<sup>۴۹</sup>

بدین سان، بر پایه نقل‌های تاریخی، این ویژگی را نمی‌توان برای «مصحف مولا» ثابت دانست. گزارش ترتیب سوره‌ها در نقل‌های مختلف نیز استواری ندارد و اکنون مجال پرداختن بدان نیست. آقای مدرسی طباطبایی، به درستی، نوشته‌اند:

گفته می‌شود که مصحف آن حضرت به ترتیب نزول بوده است؛ گرچه فهرستی که منابع از ترتیب مصحف ایشان آورده‌اند، این گزارش را تأیید نمی‌کند.<sup>۵۰</sup>

به پندار ما داوری آقای مدرسی دقیق است. نقل‌های مرتبط با ترتیب سوره‌ها را باید در مجال دیگر بررسی کرد؛ اما اکنون و پس از آن که دیدیم از نقل‌های تاریخی ره به جایی نمی‌بریم، بنگریم روایات چگونه است. دیرینه‌ترین نقل را ابن شهر آشوب گزارش می‌کند؛ بدین گونه:

فی اخبار ابي رافع: أن ابي قال فی مرضه الذی توفی فیہ لعلی «یا علی هذا کتاب الله خذہ الیک، فجمعه علی فی ثوب، فمضى الی منزله فلما قبض النبی صلی الله علیه و آله جلس علی فألفه کما أنزل الله و کان به عالماً؛

در گزارش‌های ابورافع آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله در بیماری‌ای که با آن درگذشت، به علی علیه السلام گفت: این است کتاب الله، آن را بگیر. پس علی علیه السلام آن را در پارچه‌ای جمع کرد و به خانه‌اش برد و چون رسول الله صلی الله علیه و آله زندگی را بدرود گفت، آن را بدان گونه که خداوند نازل کرده بود - و وی بدان آگاهی داشت - فراهم آورده، تألیف کرد.<sup>۵۱</sup>

این مضمون در برخی روایات دیگر مرتبط با «مصحف» مولا علیه السلام نیز آمده است، از جمله سالم ابن ابی سلمه از حضرت صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود:

... اخرجه علی علیه السلام الی الناس حیث فرغ منه و کتبه فقال لهم: هذا کتاب الله کما انزل الله علی محمد. قد جمعته بین اللوحین، قالوا: هو ذا عندنا مصحف جامع فیہ القرآن، لا حاجة لنا...؛<sup>۵۲</sup>

۴۹. القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۲، ص ۴۰۳.

۵۰. میراث مکتوب شیعہ، ص ۲۰.

۵۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۵۰.

۵۲. اثبات الوصیة، ص ۱۵۴؛ بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۱۹۵.

علی علیه السلام چون از کار جمع و تدوین قرآن فراغت یافت آن را به مردمان عرضه کرد و فرمود: این است کتاب الهی بدان گونه که خداوند آن را بر محمد صلی الله علیه و آله نازل کرده بود که من آن را در بین دو لوح قرار داده‌ام. گفتند: این همان است که پیش ماست؛ مصحفی جامع و ما را بدان نیازی نیست... ۵۳

در نقل دیگری آمده است که امام علیه السلام فرمود:

... هذا كتاب الله قد أفتّه كما أمرني و أوصاني رسول الله صلی الله علیه و آله كما أنزل...

نقل‌های دیگر نیز با همین تعبیر «کما انزل...» و یا «کما انزل الله» توان یافت. اکنون آنچه مهم است، پاسخ به این سؤال است که «کما انزل» و «کما انزل الله...» به چه معناست؟ به دو احتمال در این جمله می‌توان اندیشید:

۱. بگویم مراد این است که علی علیه السلام قرآن را بر اساس نزول و به ترتیب نزول سامان داده است. ۲. این که بگویم علی علیه السلام قرآن را بر اساس تمام آنچه به وحی الهی بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است، سامان داده است؛ یعنی آنچه آیات الهی است و قرآنی - وحیانی است و چهره ماندناپذیر و اعجاز‌آمیز دارد (= نص قرآن وحی قرآنی) و آنچه به صورت تفسیر، تأویل و تبیین این آیات نازل شده بوده است که وحیانی بود و بیانی (= تفسیر تأویل، وحی بیانی).

این بنده سال‌ها پیش و به هنگام تدریس تاریخ قرآن و بحث از جمع قرآن بدین نکته متفطن شدم. پس از آن، روایات موضوع را گرد آوردم و در آنها نگرستم و پس از تأمل بسیار به این موضوع باوری استوار پیدا کردم. ۵۴ آوردیم که در نقل‌ها هیچ‌گونه صراحتی بر ترتیب پیشین و آن‌گاه پسین نیست. افزون بر این، نقلی که در منابع اهل سنت پایه و مایه این دیدگاه شده، گذشته از این که صراحت ندارد، از اعتبار لازم را هم ندارد. نقل به گونه‌ای در پیوند با بیعت مولا بود با خلیفه اول و نشانگر این که عدم بیعت به لحاظ این بوده است که وی گرفتار جمع قرآن است! از این نقل بوی جعل و وضع می‌آید. گویا حدیث سازان می‌خواستند به گونه‌ای غیبت امام علیه السلام از صحنه را بدین‌سان توجیه کنند و رقم زدن حاکمیت را بدان‌گونه که شالوده آن را از پیش ریخته بودند، موجه جلوه دهند. این نکته ظریفی است که فقیه بی‌بدیل روزگار اخیر حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی (ره) بدان تنبیه داده است. ۵۵

اما آنچه در منابع حدیثی شیعه بوده است و برخی را آوردیم، نه تنها هیچ صراحتی ندارد، بلکه

۵۳. بصائر الدرجات، ص ۱۹۳؛ الکافی (= الاصول)، ج ۲، ص ۶۳۳؛ بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۸۸

۵۴. و در همان روزگاران در ضمن مقاله‌ای این موضوع را مطرح کردم، و نوشتم: این بنده در حد آگاهی‌های اندک خود ندیده‌ام که در میان قرآن پژوهان کسی بدین نکته اشاره کرده باشد (اتفاق تفسیر، ص ۱۰۳).

۱. اکنون خرسندم که اندک اندک در میان قرآن پژوهان دیدگاهی استوار می‌شود. آثاری در اثبات این دیدگاه و آثاری در نقد آن به صورت کتاب و یا مقاله نگاشته شده است.

۵۵. نهاية الاصول، ص ۴۸۴؛ اتفاق تفسیر، ص ۱۰۲.

قرآینی هم وجود دارد که باید مراد نه آن باشد که گفته‌اند، بل مقصود همان است که آوردیم و در دو روایت مفصل آغاز بحث این حقیقت به‌روشنی آمده بود. پاره‌ای از قرآین دیدگاه پذیرفته شده چنین است:

۱. چنان که در دو روایت آغاز بحث دیدیم و محتوای آنها پذیرفته شده همگان بوده است، علی‌علیه قرآن را با تفسیر و تأویل و تبیین می‌نگاشته است به امر رسول الله ﷺ و وحی الهی.
۲. اکنون نقلی که می‌گوید: «هذا کتاب الله قد آلفته كما امرنی و اوصانی رسول الله ﷺ كما أنزل»، این امر و وصیت نبوی چیست؟! کجا پیامبر فرموده است که آن را بر اساس ترتیب نزول بنویس؟ اما نصوص فراوان نشانگر این که قرآن را با تبیین و تفسیر و تأویل بنویس را دیدیم.
۳. جابر از حضرت امام باقر علیه السلام گزارش می‌کند که فرمود:

ما من احد من الناس يقول انه جمع القرآن كله «كما انزل الله» الا تكذب و ما جمعه و ما حفظه كما انزل الله الا علی بن ابی طالب والائمة من بعده.

آیا واقعاً برای صحابیان دیگر تدوین قرآن بر اساس نزول ممکن نبوده است؛ آنان که شاهد نزول بودند و همراه لحظه‌های وحی؟! در روایات پیشین دیدیم و واقع صادق تاریخ نیز گواه آن است که فراگیری تمامت تفسیر و تأویل و حقایق بنیادین آیات الهی را جز علی‌علیه نه کسی توانش را داشت و نه آن جایگاه را در پیشگاه الهی و نبوی و....

۴. ذیل روایت می‌گوید این جمع فقط در توان علی‌علیه و امامان پس از اوست. روشن است که باید مراد آگاهی امامان علی‌علیه از گستره تأویل، تفسیر و ابعاد ناپیدا کرانه قرآن بوده باشد که در مصحف مولا به وحی الهی نهاده شده بود و در اختیار امامان علی‌علیه بود.

۵. ذیل گزارش ابورافع می‌گوید «و کان به عالماً» روشن است که آگاهی به «ترتیب نزول» ویژه مولا نبود. کسان بسیاری دیگر نیز از ترتیب نزول آگاهی داشتند. جمله «کان به عالماً» یعنی مولا به «کما انزل الله» یعنی وحی بیانی آگاه بود و گستره معانی که بر اساس روایات یاد شده رسول الله ﷺ املا می‌کرد و علی‌علیه می‌نوشت.

۶. نقل شهرستانی و برخی دیگر از نقل‌ها و از جمله روایت سالم بن ابی سلمه از امام صادق علیه السلام نشانگر آن بود که حاکمیت و رقم‌زنندگان سیاست مصحف مولا را - که امام علی علیه السلام تصریح کرده بود (یک کلمه افزونی و کاستی ندارد و یکسر وحی الهی است) - نپذیرفتند، چرا؟ آیا آن «کما انزل الله علی محمد» در روایت به معنای ترتیب نزول بود؟! و سیاستمداران برای آن قبول نکردند؟! آنان که از مدت‌ها پیش با برنامه‌ریزی‌های دقیق شالوده دگرسانی خلافت را رقم زده بودند، و جایگاه مولا را نیز به خوبی می‌دانستند، با تن زدن از این پیشنهاد چه چیزی را می‌خواستند فراچنگ آورند؟! روشن است که این «کما انزل الله علی محمد» حقایق نهفته در تفسیرها، تأویل‌ها برملا شدن رازها و گشوده شدن رمزها و... بود که برای حاکمیت دشواری می‌آفرید؛ همان که حاکمیت را از جمله به منع

تدوین و نشر حدیث رهنمون شد. ۵۶

قراین نفی احتمال دیگر را وامی‌گذاریم به مجالی دیگر و تأکید می‌کنیم که «مصحف» علی علیه السلام ترتیبی جز «مصحف» معمول در میان مسلمانان نداشت؛ یعنی همان ترتیب روزگار رسول الله صلی الله علیه و آله که معتقدیم به جمع و تدوین و ترتیب کتاب الله در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله؛ بدان گونه که سید مرتضی (ره) فرمود:

ان القرآن کان علی عهد رسول الله صلی الله علیه و آله مجموعاً، مؤلفاً علی ما هو علیه الآن. ۵۷

و بیفزاییم که اولین کسی که در میان عالمان شیعه این نکته را [بر اساس ترتیب نزول بودن را] از روایات استظهار کرده، شیخ مفید (ره) است. آن بزرگوار در مقامی نوشته‌اند:

مصحف علی علیه السلام بر اساس نزول سامان یافته بود؛ مکی بر مدنی و منسوخ بر ناسخ مقدم بود و هر آیه‌ای به لحاظ نزول در جای خود قرار داشت. ۵۸

پس از این بزرگوار، این سخن درباره مصحف مولا - که گویا برگرفته از ظاهر آن روایات بوده - مورد توجه عالمان قرار گرفته و بدان خستو شده‌اند، اما به پندار ما این استظهار چندان پایه استواری ندارد.

### سرنوشت مصحف

در گزارش‌های پیشین دیدیم که پس از آن که مولا «مصحف» را عرضه می‌کنند و آنان نمی‌پذیرند، امام علیه السلام می‌فرمایند:

والله لا ترونه بعد هذا أبداً. ۵۹

این تعبیر در منابع روایی شیعی نیز در مواردی آمده است؛ از جمله در ذیل روایت سالم‌بن ابی سلمه که امام علیه السلام فرمود:

... اما والله لا ترونه بعد یومکم هذا أبداً. ۶۰ طالع‌ات فریبگی

اما از برخی نقل‌ها و روایات توان دریافت که مصحف در محضر امامان علیهم السلام بوده است. امام علیه السلام پس از آن روز دیگر مصحف را برنمایاند تا به گفته علامه عسکری در گذرگاه زمان بر سر آن، نیاید آنچه بر سر مصحف دیگر آمد. در ضمن روایت سالم‌بن ابی سلمه آمده است:

... حتی یقوم القائم [عج]... و أخرج المصحف الذی کتبه علی... ۶۱

۵۶. این نکته را با تفصیل و با تکیه بر قراین بسیار در مقامی دیگر آورده‌ام. ر. ک: همین مجله شماره، مقاله «ناکه از پرده برون نافتد راز».

۵۷. مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۵ به نقل از «المسائل الطرابلسیة».

۵۸. المسائل السرویة، ص ۷۹ [مصنفات الشیخ المفید، ج ۷]؛ اوائل المقالات، ص ۸۰ [مصنفات، ج ۴]

۵۹. مفتاح الأسرار و مصابیح الأبرار، ج ۱، ص ۱۲۰.

۶۰. بصائر الدرجات، ص ۱۹۳.

۶۱. القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۲، ص ۴۰۸.



بر این اساس و با توجه به نقل‌های دیگر، «مصحف» در نزد امامان علیهم‌السلام بوده است که اکنون در اختیار امام زمان حضرت حجت بن الحسن العسکری است.<sup>۶۲</sup>

بعید نمی‌نماید مصحفی که وصف بخشی از آن در روایت ابو عمر کشی آمده و از جمله تصریح به این که مشتمل بوده است بر نام‌ها و افشای برخی از جریان‌ها و در اختیار حضرت رضا علیه‌السلام همین مصحف باشد.<sup>۶۳</sup>

### کتابنامه

- آفاق تفسیر، محمد علی مهدوی راد، تهران: هستی‌نما، ۱۳۸۳ ش، اول.
- الإیتقان فی علوم القرآن، عبدالرحمن سیوطی، بیروت: المكتبة الثقافية، ۱۹۷۳ م.
- إثبات الوصية للإمام علی بن أبی طالب علیه‌السلام، المنسوب إلى علی بن الحسین المسعودی (م ۳۴۶ ق)، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۰۹ ق، دوم.
- الاحتجاج علی أهل اللجاج، أحمد بن علی الطبرسی (م ۶۲۰ ق)، تحقیق: ابراهیم البهرداری ومحمد هادی به، تهران: دار الأسوة، ۱۴۱۳ ق، اول.
- إحقاق الحق وإزهاق الباطل، نورالله بن السید شریف الشوشتری (القاضی التستری) (م ۱۰۱۹ ق)،

«در پایان این بخش سزایم است به یک داوری درباره «مصحف» مولا و یا آنچه از آن به تفسیر قرآن یاد می‌شود اشاره کنم. آقای دکتر سید حسین نصر در مقاله‌ای با عنوان «ظهور و تحول تصوف ایرانی» از تفسیرهای قرآنی صوفیانه سخن گفته و در ضمن آن نوشته‌اند: «این دوره همچنین زمان شکوفایی و رونق تفسیرهای باطنی صوفیان ایرانی بر قرآن بود، در سنت اسلامی عقیده بر آن است که سرمشق الهام‌بخش این تفسیرها علی بن ابی طالب نخستین امام شیعیان و چهارمین خلیفه اهل تسنن بوده است. مطابق با احادیث سنی و شیعی علی علیه‌السلام شرحی باطنی بر قرآن نوشت که [پاره‌ای از] خاورشناسان غربی آن را به اشتباه روایت دیگری از قرآن دانستند. ایشان سعی کردند در حصلت قطعی و بی‌چون و چرای قرآن کریم خلل وارد کنند و ادعا کردند که شرح مذکور قرآن دیگری بوده و شیعیان (یعنی پیروان علی علیه‌السلام) قرآن را به شکلی که آن زمان وجود داشته، قبول نداشتند. چیزی که از این بحث اعتقادی قدیمی واضح به نظر می‌رسد، این است که اشاراتی تاریخی از این دست در واقع مربوط می‌شد به تفسیر باطنی بر قرآن که به حضرت علی علیه‌السلام منسوب بوده، و متأسفانه مفقود شده است (میراث تصوف، ج ۱، ص ۳۶-۳۷). نمی‌دانم آقای نصر با جمله «... مطابق با احادیث سنی و شیعی...» به چگونگی احادیثی اشاره می‌کنند؛ اما قاطعانه می‌گویم حتی یک روایت شیعی و سنی وجود ندارد که بگوید علی علیه‌السلام شرحی باطنی بر قرآن نوشته بود؛ در دیگر این که بافته‌های خاورشناسان بی‌پایه بوده و هست و نیازی به طرح و نقد ندارد و این که آقای نصر در پایان سخن خود بالاخره تفسیری باطنی بر قرآن منسوب به امام علیه‌السلام را بر اساس اشاراتی تاریخی قطعی می‌دانند، این هم پایه‌ای ندارد؛ سه دیگر این که از «آن بحث اعتقادی قدیمی» هم آنچه در منابع حدیثی و تاریخی وجود دارد، همان است که در متن مقاله آمده است. «مصحف علی علیه‌السلام» با ویژگی‌های یاد شده و موضع حاکیست در برابر آن و نه جز آن و هیچ شیعه‌ای هم افزون بر این باور ندارد. خاورشناسان آنچه می‌بافتند گاه مستند بر پایه و مایه‌ای نیست، اما از جناب سید حسین نصر که بی‌گمان آشنای شایان توجهی با منابع حدیثی و تاریخی شیعی دارد، این‌گونه سخن گفتن شگفت می‌نماید.

۶۲. بصائر الدرجات، ص ۱۹۳؛ الکافی (=الأصول)، ج ۲، ص ۶۳۳.

۶۳. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۸۹ و نیز ر. ک: المحجة البيضاء، ج ۲، ص ۲۶۴.

- با تعليقات: السيد شهاب الدين المرعشي، قم: مكتبة آية الله المرعشي، ١٤١١ ق، - أول.
- اختيار معرفة الرجال (رجال الكنى)، محمد بن الحسن الطوسى (م ٤٦٠ ق)، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ١٤٠٤ ق، أول.
- الاستيعاب في معرفة الأصحاب، يوسف بن عبدالله القُرطبي المالكي (م ٣٦٣ ق)، تحقيق: على محمد معوض وعادل أحمد عبدالموجود، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٥ ق، أول.
- الإصابة في تمييز الصحابة، أحمد بن علي العسقلاني (ابن حجر) (م ٨٥٢ ق)، تحقيق: عادل أحمد عبدالموجود وعلي محمد معوض، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٥ ق، أول.
- الأمالي، محمد بن الحسن الطوسى (م ٤٦٠ ق)، تحقيق: مؤسسة البعثة، قم: دار الثقافة، ١٤١٤ ق، أول.
- الإمامة والتبصرة من الحيرة، علي بن الحسين ابن بابويه القمي (م ٣٢٩ ق)، تحقيق: محمد رضا الحسيني، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ١٤٠٧ ق، أول.
- أنساب الأشراف، أحمد بن يحيى البلاذري (م ٢٧٩ ق)، تحقيق: سهيل زكار و رياض زركلي، بيروت: دار الفكر، ١٤١٧ ق، أول.
- أوائل المقالات، محمد بن محمد بن النعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (م ٤١٣ ق)، تحقيق: إبراهيم الأنصاري، قم: المؤتمر العالمي بمناسبة ذكر ألفية الشيخ المفيد، ١٤١٣ ق.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، محمد باقر بن محمد تقي المجلسي (العلامة المجلسي) (م ١١١١ ق)، بيروت: مؤسسة الوفاء، ١٤٠٣ ق، دوم.
- بشارة المصطفى لشيعته المرتضى، محمد بن محمد الطبري (م ٥٢٥ ق)، نجف: المطبعة الحيدرية، ١٣٨٣ ق، دوم.
- بصائر الدرجات، محمد بن الحسن الصفار القمي (ابن فزوخ) (م ٢٩٠ ق)، قم: مكتبة آية الله المرعشي، ١٤٠٤ ق، أول.
- البيان في تفسير القرآن، السيد أبو القاسم الموسوي الخوئي (م ١٤١٣ ق)، قم: أنوار الهدى، ١٤٠١ ق.
- تاريخ دمشق (ترجمة الإمام علي عليه السلام)، علي بن الحسن بن هبة الله (ابن عساكر الدمشقي)، تحقيق: محمد باقر المحمودي.
- تاريخ قرآن، محمود راميار، تهران: اميركبير، ١٣٦٢ش، دوم.
- تحف العقول عن آل الرسول عليهم السلام، الحسن بن علي الحزاني (ابن شعبة) (م ٣٨١ ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤٠٤ ق، دوم.
- تفسير المياشي، محمد بن مسعود السلمى السمرقندي (العياشي) (م ٣٢٠ ق)، تحقيق: هاشم - الرسولي المحلاتي، تهران: المكتبة العلمية، ١٣٨٠ ق، أول.
- التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد، يوسف بن عبد الله القرطبي (ابن عبد البر) - (م ٤٦٣ ق)،

- تحقيق: مصطفى العلوي و محمد عبد الكبير البكري، جده: مكتبة السوادى، ١٣٨٧ ق.
- جامع بيان العلم وفضله، يوسف بن عبد البر النمري القرطبي (م ٤٦٣ ق)، بيروت: دار الکتب العلمية.
- الجامع لأحكام القرآن (تفسير القرطبي)، محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي (م ٦٧١ ق)، تحقيق: محمد عبد الرحمان المرعشلي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٤٠٥ ق، دوم.
- حلية الأرياء وطبقات الأصفياء، أحمد بن عبد الله الإصبهاني (أبو نعيم) (م ٤٣٠ ق)، بيروت: دار الكتاب العربي، ١٣٨٧ ق، دوم.
- الخصال، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤١٤ ق، چهارم.
- السنن الكبرى، أحمد بن الحسين البيهقي (م ٤٥٨ ق)، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٤ ق، أول.
- سنن النسائي بشرح الحافظ جلال الدين السيوطي وحاشية الإمام السندي، أحمد بن شعيب النسائي (م ٣٠٣ ق)، بيروت: دار الجليل، ١٤٠٧ ق، أول.
- شرح نهج البلاغة، عبد الحميد بن محمد المعتزلي (إبن أبي الحديد) (م ٦٥٦ ق)، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، بيروت: دار إحياء التراث، ١٣٨٧ ق، دوم.
- شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، عبيد الله بن عبد الله النيسابوري (الحاكم الحسكاني) (ق ٥ ق)، تحقيق: محمد باقر محمودي، تهران: مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي، ١٤١١ ق، أول.
- علل الشرايع، شيخ صدوق، نجف: مكتبة الحيدرية، ١٣٨٦ ق / ١٩٦٦ م.
- غرر الحكم ودرر الكلم، عبد الواحد الأمدي التميمي (م ٥٥٠ ق)، تحقيق: مير جلال الدين محدث أرموي، تهران: دانشگاه تهران، ١٣٦٠ ش، سوم.
- قاموس الرجال في تحقيق رواية الشيعة ومحدثيهم، محمد تقي التستري (شوشتری) (م ١٣٢٠ ق)، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤١٠ ق، دوم.
- الكافي، محمد بن يعقوب الكليني الرازي (م ٣٢٩ ق)، تحقيق: علي أكبر النفقاري، بيروت: دار صعب ودار التعارف، ١٤٠١ ق، چهارم.
- كتاب من لا يحضره الفقيه، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، تحقيق: علي أكبر النفقاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، دوم.
- كفاية الطالب في مناقب علي بن أبي طالب عليه السلام، محمد بن يوسف الغنجي الشافعي (م ٦٥٨ ق)، تحقيق: محمد هادي الأميني، تهران: دار إحياء تراث أهل البيت عليهم السلام، ١٤٠٤ ق، دوم.
- كمال الدين وتمام النعمة، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، تحقيق:

- علی أكبر الغفاری، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۵ ق، اول.
- كنز العمال فی سنن الأفعال والأعمال، علی المتقی بن حسام الدین الہندی (م ۹۷۵ ق)، تصحیح: صفوة السقا، بیروت: مكتبة التراث الإسلامی، ۱۳۹۷ ق، اول.
- مجمع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر مجمع البیان)، الفضل بن الحسن الطبرسی (أمین الإسلام) (م ۵۴۸ ق)، تحقیق: السید ہاشم الرسولی المحلاتی والسید فضل الله الیزدی الطباطبائی، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۸ ق، دوم.
- المحجة البيضاء فی تہذیب الأحياء، محمد محسن بن شاہ مرتضی الفیض الكاشانی (م ۱۰۹۱ ق)، با حاشیہ: علی أكبر الغفاری، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية، ۱۳۸۳ ق.
- المسائل السروية (مصنفات الشيخ المفيد)، محمد بن محمد بن نعمان العکبری (الشيخ المفيد) (م ۴۱۳ ق)، تحقیق: صائب عبد الحمید، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، ۱۴۱۳ ق.
- مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، حسین النوری الطبرسی (م ۱۳۲۰ ق)، قم: مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۰۷ ق، اول.
- معالم المدرستين، السید مرتضی العسكري، تہران: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۲ ق.
- المعجم الصغير، سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني (م ۳۶۰ ق)، تحقیق: محمد عثمان، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۱ ق، دوم.
- ملحقات احقاق الحق، شہاب الدین مرعشی نجفی، قم: کتابخانہ آیة الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ ق / ۱۳۶۶ ش.
- مناقب آل أبي طالب (المناقب لابن شهر آشوب)، محمد بن علی المازندرانی (ابن شهر آشوب) (م ۵۸۸ ق)، قم: المطبعة العلمية.
- النهاية فی غریب الحدیث والأثر، مبارک بن مبارک الجزری (ابن الأثیر) (م ۶۰۶ ق)، تحقیق: طاهر أحمد الزاوی، قم: مؤسسة إسماعيلیان، ۱۳۶۷ ش، چہارم.
- نهج البلاغة، محمد بن الحسين الموسوي (الشريف الرضي) (م ۴۰۶ ق)، ترجمہ: سید جعفر شہیدی، تہران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ ش، چہارم.
- وسائل الشيعة، محمد بن الحسن الحزّ العاملي (م ۱۱۰۴ ق)، تحقیق: مؤسسة آل البيت (ع)، قم: مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ ق، اول.
- ينابيع المودة لذوي القربى، سليمان بن إبراهيم القندوزي الحنفي (م ۱۲۹۴ ق)، تحقیق: علی جمال أشرف الحسيني، تہران: دار الأسوة، ۱۴۱۶ ق، اول.